



صحیفه الرضا (علیه السلام)

تجلیگاه قرآن

دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۳۱

مصطفی اسفندیاری (فقیه)^۱

چکیده

پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرآن را جهت هدایت جامعه انسانی به سوی آرمان شهر بشری از طریق وحی دریافت و آن را برای مردم تبیین کردند. پس از درگذشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اهل بیت (علیهم السلام) وظیفه تبلیغ و تفسیر این کتاب آسمانی را عهده‌دار گشتند. امامان معصوم (علیهم السلام) نیز اهتمام خاصی در مسیر جهت‌دهی اصول زندگی بشری بر اساس آیات قرآنی داشتند. در این میان، نقش امام رضا (علیه السلام) با توجه به داشتن مقام ولایت‌عهدی و امامت شیعیان بسیار حایز اهمیت است. آن حضرت وظیفه تفسیر قرآن و هدایت جامعه اسلامی را بعد از پدر بزرگوارشان عهده‌دار شدند و توجه خاصی به آموزه‌های قرآنی داشتند و آن را مرجع کاملی برای حل مسائل می‌دانستند.

از نکات مهمی که در سخنان امام رضا (علیه السلام) پیاپی به چشم می‌خورد، اقتباس حضرت از آیات قرآنی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم جهت توضیح و تأثیرگذاری بیشتر کلام بر مخاطب است. در پژوهش حاضر نگارنده با روش توصیفی - تحلیلی و با مطالعه در کتاب صحیفه الرضا (علیه السلام) تأثیر آیات قرآنی را بر مخاطب از منظر بلاغت عربی در قالب‌هایی بدیعی چون اقتباس، تضمین، احتجاج و... بررسی خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، صحیفه الرضا، اقتباس، تضمین، احتجاج.

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی. rahigh504@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم جامع‌ترین کتاب در بین ادیان آسمانی است که با تکامل دانش بشری، هر روز گوشه‌ای از رازهای آن گشوده می‌شود و بشریت را به استفاده از خوان گسترده‌ی خویش که برای سعادت انسان‌ها مهیا شده است، فرا می‌خواند. می‌توان گفت، نسخه‌ی بی‌بدیلی در حلّ معضلات جامعه بشری است که خداوند برای تعالی بشر فرستاده است.

در این میان، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ضمن دریافت و ابلاغ قرآن، متعهد به تفسیر آن نیز شده‌اند. پس از ایشان این مسئولیت برعهده‌ی امامان معصوم (علیهم‌السلام) گذاشته شد، چرا که این بزرگواران تربیت‌شدگان مکتب نبوی و عالم‌ترین اشخاص عصر خویش نسبت به آیات قرآنی بوده‌اند. بدین جهت، جلوه‌ی آیات قرآنی در زندگانی و کلام ایشان جایگاه ویژه و نمود خاصی یافته است. می‌توان ادعا کرد سیره‌ی عملی و رفتاری امامان معصوم (علیهم‌السلام) آئینه‌ی تمام‌نمای آموزه‌های قرآنی است و اهل بیت (علیهم‌السلام) وظیفه‌ی دفاع از مکتب نبوی و بیان حدود و مسائل مربوط به آن را بر اساس قرآن داشته‌اند و در مسیر تعالی نوع بشر بر اساس آیات کتاب انسان‌ساز پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) گام برداشته‌اند.

تفسیر و تبیین قرآن در سیره‌ی امام رضا (علیه‌السلام) جایگاه ویژه‌ای دارد. آن حضرت بعد از امام کاظم (علیه‌السلام) عهده‌دار امامت گردید و پیوسته از قرآن به‌عنوان راهنمای حلّ مسائل و مشکلات جامعه بهره می‌بردند و در جایگاه‌های مختلف اشارات فراوانی به آن داشته‌اند، به‌طوری‌که با سیره‌ی عملی خویش تفسیرکننده‌ی قرآن بوده‌اند که این مهم خبر از منزلت قرآن در شریعت اسلام دارد. امام رضا (علیه‌السلام) در محافل علمی، مجالس سخنرانی و کارهای روزمره بارها به قرآن و رهنمودهای آن توجه داشته‌اند.

از مهم‌ترین مجال‌هایی که آیات قرآن از زبان آن حضرت برای مردم پدیدار می‌گشته، قالب دعا بوده است. می‌توان گفت دعا‌های امام رضا (علیه‌السلام)

گنجینه‌های پایان‌ناپذیر معارف الهی‌اند که هرکس به اندازه برخورداری‌اش از حقیقت دعا و سعه و جودی خویش، می‌تواند از آن بهره‌مند گردد (احمدی، ۱۳۹۱: ۴۰). آنچه از کلام حضرت دریافت می‌گردد اینکه قرآن مائده‌ای الهی است که همه نسل‌ها را در همه عصرها به استفاده از خود فرا خوانده و تنها نسخه شفاف‌بخش دردهای جامعه بشری و پیک هدایتگر انسان در شاهراه رشد است (زبیدی، ۱۴۲۸ق: ۱۵). در مقاله حاضر نگارنده انعکاس آیات قرآنی موجود در کلام امام رضا (علیه‌السلام) را مشخص کرده و به بیان تأثیر و جمال کاربرد این آیه‌ها پرداخته‌است. حضرت گاهی تمام آیه (اقتباس مستقیم) و گاه بخشی از آیه (اقتباس غیرمستقیم) را به کار گرفته‌اند و نگارنده سعی در بیان تأثیر بلاغی و ادبی این نوع کاربردها دارد. بنابراین، به‌خاطر تحلیل بهتر کلام امام (علیه‌السلام) به بررسی بعضی قالب‌های بدیعی بلاغت عربی چون اقتباس، تضمین، احتجاج و... پرداخته‌است تا بتواند به بیان زیبایی‌های کلامی‌ای که از این رهگذر به سخن آن حضرت داده شده است، بپردازد. درباره تجلی قرآن در کلام امام رضا (علیه‌السلام) تاکنون پژوهشی از این دست در کلام حضرت صورت نگرفته است. همین امر از دیگر نوآوری‌های مقاله حاضر است.

۱-۱ پیشینه تحقیق

تحقیقات بسیاری درباره کلام امامان معصوم (علیهم‌السلام) و کاربست آیات قرآنی توسط ایشان صورت گرفته است. از جمله، می‌توان به کتاب الغدیر از علامه امینی و تجلی قرآن در نیایش معصومان علی خیاط و تجلی قرآن در صحیفه سجاده نوشته فاطمه احمدی اشاره کرد. از جمله تحقیقات جریان‌یافته درباره زندگی امام رضا (علیه‌السلام) و سیره ایشان عبارتند از: کتاب قدیس خراسان، عالم آل محمد از شعبانعلی رزاقی و کتاب الحیاة السیاسیة للإمام الرضا (علیه‌السلام) از جامعه مدرسین قم و کتاب امام رضا (علیه‌السلام) منادی توحید و ایمان از محمدجواد معینی و بسیاری کتاب‌های دیگر اشاره کرد که مجال برشمردن تمامی آنها نیست.

۲-۱ تجلی قرآن در کلام امام رضا (علیه السلام)

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم کلام امام رضا (علیه السلام) از قرآن کریم است. مقصود از تأثیرپذیری مستقیم که به آن اثرپذیری گزاره‌ای نیز گفته می‌شود این است که گوینده آیه قرآنی را در مطاوی کلام خویش بیاورد و از منظر بلاغی به سه شکل صورت می‌پذیرد: ۱. تصریح، ۲. تلمیح (اشاره) ۳. اقتباس (تضمین). در تصریح، آیه‌ای از قرآن به صورت جدا و آشکارا بیان می‌شود که در ادامه شواهدی از آن را بیان خواهیم کرد. در تلمیح نیز گوینده در کلام خویش به داستان یا شعر یا مثل بدون اشاره به منبع آن اشاره می‌کند (جرجانی، ۱۴۱۸ق: ۵۷). بر این اساس، اشاره به آیات قرآنی بدون ذکر آنها از مصادیق تلمیح می‌باشند و از آنجاکه منبع اصلی کلام امام رضا (علیه السلام) قرآن کریم است، بیشترین انعکاس قرآن در کلام آن حضرت از این مقوله است و هرگاه متکلم کلام خویش را به وسیله شعر، نثر، آیه قرآنی و یا کلام نبوی بیاراید، چه از نظر لفظی و چه معنوی، این عمل وی را اقتباس گویند. در اقتباس شرط نیست که به گوینده متن اصلی اشاره شود. (میدانی، ۱۴۳۱ق: ۵۳۶). البته، در عرصه شعر، چنانچه اقتباس از شعر دیگری صورت گیرد، به آن «تضمین» گفته می‌شود (شاکر، ۱۳۷۹: ۴۵۶). اقتباس با تلمیح قرابت دارد، تنها با این تفاوت که در اقتباس، همه یا بخشی از آیه یا حدیث می‌آید، در حالی که در تلمیح فقط به آیه یا حدیث اشاره می‌شود تا ذهن را در کشف مفهوم سخن به تلاش وا دارد (انوشه، ۱۳۷۵: ۱۲۹). گاه اقتباس با صنعت ارسال مثل جمع می‌شود. گاه نیز به ضرورت وزن، در کلام اقتباس شده تغییری داده می‌شود یا معنایی غیر از معنای اصلی از آن اراده می‌گردد (همایی، ۱۳۷۱: ۳۹۱).^۱ از نظر زمینه کاربرد تاریخی، اصطلاح اقتباس تا قبل از قرن ششم وجود نداشت. اگرچه در الفهرست به کتاب المقتبس از مدائنی و کتاب دیگری از مرزبانی به آن اشاره شده است (ابن‌الندیم، ۱۹۷۸م: ۳۵۵). معلوم نیست که مراد از کلمه اقتباس در این دو تصنیف همان معنای

۱. بنا بر تعریفی دیگر، اقتباس دو گونه است: الف) اقتباس صریح؛ که در آن عبارتی قرآنی با همان ساختار، بی هیچ تغییری یا با اندک دگرگونی در بین سخن آورده می‌شود (راستگو، ۱۳۸۷: ۳۰). ب) اقتباس اشاری؛ که در آن گزاره قرآنی با تغییرات لفظی یا ترکیبی در متن آورده می‌شود. (العانی، ۲۰۰۲م: ۳۲).

اصطلاحی بوده باشد (شاکر، ۱۳۷۹: ۴۵۶). برخی دانشمندان اقتباس را محدود به عبارات قرآنی دانسته‌اند در حالی که دیگران، در معنایی گسترده‌تر، آن را در مورد اصطلاحات فقه نیز به کار برده‌اند (سیوطی، ۱۹۹۶م: ۸۴۹). اینک نخست واژه اقتباس را به‌عنوان واژه کلیدی پژوهش حاضر، از منظر لغوی و اصطلاحی و سپس نمود آیات قرآنی در کلام امام رضا (علیه‌السلام) را بررسی خواهیم کرد.

۳-۱ اقتباس از منظر لغوی و اصطلاحی

اقتباس مصدر باب افتعال به‌معنای گرفتن و اخذ کردن است (معین، ۱۳۸۱: ۱۱۳). امروزه کلمه انطباق یا بازنویسی به‌عنوان معادل آن به کار می‌رود. در زبان فارسی اقتباس به‌معنای «پاره آتش گرفتن، فایده گرفتن و دانش فراگرفتن از کسی» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۱۱۲) و در جایی دیگر نقل کردن و گرفتن مطلبی از کتاب یا مرجع دیگر را گویند (عمید، ۱۳۸۶: ۴۷۲). در انگلیسی واژه adaptation به‌معنای سازگاری به کار می‌رود که همسنگ اقتباس است (آشوری، ۱۳۸۱: ۱۰۸). اقتباس در اصطلاح ادبیات معاصر عبارت است از: در کلام مطلبی از قرآن، حدیث یا بیتی معروف را بیاورند، در حالی که اشاره‌ای صریح به آن نکرده باشند (تفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۳۰۸).^۱ در اصطلاح علم بدیع «آوردن آیه قرآن یا مضمونی از احادیث در نظم و نثر بدون اشاره به اینکه از کجا نقل شده می‌باشد. در این میان، مانعی نیست که لفظ اقتباس شده را به زیاده یا نقصان یا تقدیم و تأخیر تغییر دهد زیرا قصد از این کار نشان دادن مهارت و محکم کردن رابطه میان سخن گوینده و کلام اقتباس شده است (تونانی، بی‌تا: ۲۱۷).^۲ در مقاله حاضر نیز تلاش نگارنده بیشتر بر این نوع اقتباس و بررسی تاثیر آن بر خواننده، متمرکز است.

۱. مانند: «که من شهر علمم علیم در است/ درست این سخن گفت پیغمبر است»، که ترجمه حدیث نبوی «انا مدینه العلم و علی بابها» است (نوشه، ۱۳۷۵: ۱۲۹).

۲. البته، ناگفته نماند که در علم بدیع عده‌ای معنای اقتباس را با معنای تلمیح یکسان و تفاوت این دو را در این دانسته‌اند که در اقتباس ما شاهد پژواک و انعکاس اثری دیگر هستیم؛ حال آن که در تلمیح به‌طور مستقیم به نام اثر یا شخصیتی اشاره شده و از آن در جهت خلق تصاویر شاعرانه و باروری اثر استفاده می‌شود. (داد، ۱۳۸۴: ۳۹۲).

۴-۱ از نمونه‌های تصریح، تلمیح و اقتباس قرآنی در کلام امام رضا (علیه‌السلام)

درباره بهره‌گیری امام (علیه‌السلام) از قرآن در کلام موارد فراوانی هست که نشان‌دهنده عمق ارتباط ایشان با قرآن و توان بالای ادبی امام در به‌کارگیری آیات قرآنی در قالب کلام است. نکته قابل تأمل در حیطه کاربرد اقتباس‌های قرآنی آن حضرت، استفاده از آیات قرآن با هدف تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب است. در ادامه، این اقتباس‌ها را به صورت موردی بررسی و فرازهای مختلفی از کلام آن حضرت را تحلیل خواهیم کرد.

۴-۱-۱ تجلی قرآن در نیایش‌های امام رضا (علیه‌السلام)

نیایش عبارت است از تضرع مضطربانه، طلب یاری و استعانت و گاهی یک حالت کشف و شهود آرام درونی و مستمر و دورتر از اقلیم محسوسات (معین، ۱۳۸۱: ۲۵۴). به عبارت دیگر، نیایش پرواز روح است به سوی خدا برای ارتباط با آن وجود نامرئی. پس می‌توان بی‌واهمه و بی‌هیچ اندوهی آنچه را که در درون می‌گذرد با خداوند در میان نهاد، زیرا او تنها کسی است که ناگفته‌ها را می‌داند. نیایش با خداوند به انسان آرامشی می‌دهد که شکوفایی روح را می‌توان از اثرها و پیامدهای آن دانست. آنچه می‌تواند بر ارزش نیایش بیفزاید، کاربرد کلام خود صاحب نعمت است در سخن گفتن با خودش که این مهم در کلام امام رضا (علیه‌السلام) تجلی یافته است. حضرت توجه ویژه‌ای به مقوله نیایش داشته و در این باره فرموده‌اند: «خوشا به حال کسی که عبادتش را برای خدا خالص کند و دلش را به آنچه چشمش می‌بیند، مشغول ندارد و بدانچه می‌شنود، یاد خدا را فراموش نکند و برای آنچه به دیگری داده شده، اندوهگین نشود.» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۲۶). بنابراین، کسی که تنها به آنچه نزد خداوند است دل خوش کند و معتقد باشد که منشأ همه چیز در دست خداست، محال است روی به درگاه دیگری بیاورد. اینک به بررسی چند مورد از نیایش‌های امام رضا (علیه‌السلام) و چگونگی کاربرد صنعت اقتباس در آنها به صورت نمونه‌وار

خواهیم پرداخت. از جمله شواهد کلامی امام رضا (علیه‌السلام) که در بردارنده آیات قرآنی به صورتی اقتباس‌گونه است، آنجاست که آن حضرت می‌فرماید:

سیدی وإن عرفتَ من عملی شیئاً، یرفع من مقامهما و یزید فی اکرامهما، فاجعله ما یوجبهُ حقُّهما لهما، وأشركنی فی الرِّحمةِ معهما، و ارحمهُما کما ربَّیانی صغیراً (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۶).

در این شاهد مثالی، حضرت در مقام مناجات با خداوند می‌باشند و بیان می‌دارند: بارالها، اکنون این بنده دستانش را به سوی تو بلند نموده، در حالی که می‌داند در طول زندگی خویش سستی نموده است، ولی بر اساس گفته خودت که بخشش را بر بندگان گنهکار وعده نموده‌ای، اینک به سوی تو آمده‌ام، با این امید، که گذشته‌ام را ببخشی و در آینده مرا از گناه محفوظ داری. در ادامه، حضرت برای آمرزش پدر و مادر خویش از خداوند طلب استمداد نموده و می‌بینیم که امام (علیه‌السلام) ضمن بیان خواسته خود مرحمت خداوند نسبت به والدینش را نه بدین خاطر که والدین وی هستند، بلکه بدین خاطر که به وی لطف نموده و بزرگش کرده‌اند، مسألت می‌کند.

حضرت در کلام خویش علاوه بر اقتباس از قرآن، یکسری مباحث بلاغی دیگر را برای تأثیرگذاری کلام به کار بسته‌اند، از جمله در ابتدای کلام ضمن حذف ادات ندا موجبات کندوکاو ذهن شنونده و لذت‌بخش‌تر شدن کلام را فراهم می‌آورد و با این کار سخن خویش را از تکرار خالی نگاه می‌دارد. حضرت از سوره اسراء اقتباس نموده‌اند، آنجا که خداوند در شأن والدین می‌فرماید: «وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا» (اسراء/۲۴) و توانسته‌اند آیه مذکور را به خوبی به کار بگیرند و تناسب بالایی بین لفظ و معنا برقرار کنند. نکته قابل تامل در کلام امام رضا (علیه‌السلام) اینکه ایشان در هنگام سخن گفتن، از صنایع مختلف بلاغی و ادبی بدون تکلف استفاده می‌کنند که سبب تأثیر دوچندان کلام می‌شود.

در مجالی دیگر امام رضا (علیه‌السلام) در مقام احتجاج و ضمن بیان اصول اساسی خلقت بشر، کلام خویش را با اقتباسی احتجاج‌گونه از قرآن کریم می‌آریند و چنین

می فرمایند:

- «یا سامع کل صوت، و یا سابق کل فوت، یا مُحیی العظام وهی رَمیمٌ ومُشئها بعد الموت، صلّ علی محمد وآل محمد، و اجعل لی من کلّ همّ فرجاً و مخرجاً و جمیع المومنین، إنک علی کلّ شیءٍ قَدیر» (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۸).

در این مجال حضرت با توجه به مهارت بی نظیر در سخنوری، چنان سخن گفته‌اند که شنونده نیازی به توضیحات بیشتر نداشته باشد و مستقیم به هدف حضرت از کلام رهنمون گردد. با دلایل زیبایی که حضرت ایراد نموده جایی برای انکار و تردید مخاطب باقی نمانده است و این مهم به‌خصوص از رهگذر کاربست آیه قرآنی توسط ایشان به‌دست آمده است. آن حضرت در این مقطع از سخن با کاربست آرایه‌های مختلف بلاغی، سعی در تأثیرگذاری بیشتر کلام بر مخاطب دارند. بنابراین، با استفاده از آیه: «وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ» (یس/۷۸ و ۷۹)، برای تأیید کلامش از استدلالی عقلانی بهره برده‌اند که مخاطب به‌وسیله آن اغنا می‌شود. در ادامه، حضرت در قالب دعا برای حضرت مهدی (عج) به بیان برخی از صفات ایشان می‌پردازد. در ادامه با زبانی ساده، با اقتباس از کلام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در حدیث کساء، کلام خویش را با استمداد از کلام خداوند چنین بیان می‌کند:

- اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ الْوَالِهِ وَعَادٍ مِنَ عَادَاهِ وَالْبِيسَةِ دَرَعِكَ الْحَصِينَةِ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلِيَّ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّهُ سُلْطَانًا نَصِيرًا (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۵۴).

در این مجال، امام رضا (علیه‌السلام) ضمن بیان برخی اصول کلی درباره حضرت مهدی (عج) به بیان اصل ولایت و اینکه تنها افرادی موفق می‌شوند که مورد تایید ائمه (علیهم‌السلام) بوده و ولایت ایشان را پذیرفته باشند. در ادامه، در حق حضرت مهدی (عج) دعا و پیروزی‌شان را پیش‌بینی می‌کنند زیرا خداوند محافظ ایشان هستند. حضرت کلام خود را با اقتباس از دعای امام صادق (علیه‌السلام) که متأثر از

آیات قرآنی است بیان می‌دارد که سبب تأثیرگذاری آن بر مخاطب گشته است.^۱ در این مجال، امام ضمن تکیه بر کلام جدّ بزرگوار خویش و استفاده از اقتباس ایشان از قرآن به‌عنوان تأییدی بر کلام خویش استفاده می‌کنند. در نگاهی کلی می‌توان بیان داشت، بین کلام امام (علیه‌السلام) و قرآن پیوندی ناگسستنی وجود دارد و هرگاه که این بزرگوار لب به سخن می‌گشوده‌اند با کلام خویش دریایی از معارف را برای مخاطب بیان می‌داشته‌اند، که غالباً یا قرآن به‌صراحت یا به‌صورت غیرمستقیم در سخن ایشان متبلور می‌شده است و همین اصل نقطه اساسی در تأثیرگذاری کلام حضرت بر مخاطب است. در این عرصه ادبا به برتری سخنان این بزرگواران اعتراف کرده‌اند. از جمله، سیدرضی درباره کلام امام علی (علیه‌السلام) گفته است: کلام علی (علیه‌السلام) بالاتر از کلام همه مخلوقات و پایین‌تر از کلام خداوند است (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۹۶ق: ۱۲۶). اینک به بررسی تجلی آیات قرآن در دعاهای روایت‌شده از امام رضا (علیه‌السلام) می‌پردازیم.

۲-۴-۱ بازتاب کاربردی آیات قرآنی در دعاهای امام رضا (علیه‌السلام)

سخنان امام رضا (علیه‌السلام) چونان چراغی بوده که حضرت برای پیروان خویش برافروخته‌اند تا به کمک آن از خطر گمراهی‌های یابند. در این مجال، بارها بر استمداد از خداوند توصیه و در گفتار خویش از کلام خداوند نیز در قالب اقتباس‌هایی تأثیرگذار استفاده می‌کرده‌اند، از جمله آنجا که می‌فرماید:

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ أَنْ ذُنُوبِي وَكَثْرَتِهَا قَدْ اخْلَقَتْ وَجْهِي، وَ لَوْلَا تَمَسُّكِي بِالْدَعَاءِ وَمَا وَعَدْتَ امْتَالِي مِنَ الْخَاطِئِينَ، بِقَوْلِكَ: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». ثُمَّ نَدَبْتِنَا بِرَأْفَتِكَ إِلَىٰ دَعَائِكَ، فَقُلْتَ: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ

۱. متن دعا چنین می‌باشد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَىٰ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، وَأَفْتَحْ لَهُ فِتْحًا يَسِيرًا، وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا غَزِيرًا، وَأَجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ» (مصباح‌المتهجد: ۳۹۲).

عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۰۸).

در این دعا امام (علیه‌السلام) ضمن اینکه برای پیروان خویش به بیان بزرگی ذات باری تعالی پرداخته و ایشان را از ناامیدشدن از الطاف خداوند نهی نموده، به زیبایی از آیات ۵۳ سوره زمر و آیه ۶۰ سوره غافر اقتباس کرده‌اند و از این آیات به‌عنوان احتجاج‌هایی عقلانی بهره برده‌اند که از رهگذر آن خواننده به این نتیجه می‌رسد که نباید از لطف خدا ناامید شود، زیرا خداوند همهٔ بندگان گناهکار و بیگناه را دعوت نموده که از وی استمداد بطلبند و وعده نموده که به همهٔ ایشان کمک خواهد کرد و به کسانی که از ذات الهی رویگردان باشند، وعدهٔ آتش دوزخ را داده‌اند. هنگام مطالعه سخنان حضرت برای خواننده روشن می‌شود که حضرت ضمن بیان دعاهایی که باید هر مسلمانی در اوقات مختلف به خواندن آنها پردازد، از آیات قرآنی نیز بسیار بهره می‌گیرد و با بیانی روان آنها را به کار می‌برد. در این سخنان، امام (علیه‌السلام) هدفی جز تأثیرگذارتر شدن کلام ندارند. حضرت در فرازی دیگر از کلام خویش، به بیان دعایی که باید فرد در قنوت بخواند می‌پردازد. در ضمن دعا به اقتباس از آیات قرآنی می‌پردازند و این‌گونه می‌فرمایند:

- اللهم اصلح عبدك، بما اصلحت به انبياءك و رسلك، و حفّه بملائكتك، و ائده بروح القدس من عندك، و اسلكه من بين يديه و من خلفه رصداً، يحفظونه من كل سوءٍ، و اجعلني من اعوانه و انصاره إنك على كل شيء قدير (همان: ۹۰).

در این مجال امام رضا (علیه‌السلام) در بیان روان و تأثیرگذار خود از دو سوره جن و آل عمران اقتباس کرده‌اند. در سوره اول خداوند می‌فرماید: «يَسْأَلُكَ مَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا» (جن/۲۷) که به قضیه لیلۃ‌المیبت و خروج پیامبر از منزل برای هجرت به سوی مدینه اشاره دارد و آیه مشهوری که آن شب از طرف باری تعالی بر آن حضرت نازل گردید تا ایشان بخوانند و از چشم قاتلان خویش پنهان بمانند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۷: ۱۴۵). دیگری سوره آل عمران است که اصل آیه این‌گونه است: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ

مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (آل عمران / ۲۸). چنان‌که مشاهده می‌شود، امام رضا (علیه‌السلام) این دو آیه را در قالب دعا وارد کرده و آن را طوری با سایر الفاظ همگون کرده‌اند که گویا تمام الفاظ از یک دسته‌اند و خواننده احساس نمی‌کند که حضرت از آیه قرآنی استفاده کرده‌اند. این همگونی الفاظ و معانی چیزی نیست جز همان قاعده ائتلاف لفظ و معنا، که به خاطر افزایش سطح تأثیر کلام بر مخاطب در بلاغت عربی جایگاه والایی دارد.

از دیگر مواردی که امام رضا (علیه‌السلام) بر اقتباس قرآن تکیه کرده‌اند دعای تعقیب نماز صبح است که این‌گونه می‌فرمایند:

- «بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ، وَنَجِّنَا مِنَ الْغَمِّ، وَكَذَلِكَ نَنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۹۴).

امام رضا (علیه‌السلام) به آیاتی از قرآن تکیه کرده‌اند و هدفی جز بیان هر چه کامل‌تر و تأثیرگذاری بیشتر سخن ندارند. در دعای امام (علیه‌السلام) از چند سوره قرآنی اقتباس کرده‌اند که همین امر باعث تأثیرگذاری بیشتر کلام ایشان بر مخاطب گردیده است. از جمله، به سوره‌های غافر، انبیاء، آل عمران و کهف اشاره دارد. در این مجال به سخنی از امام صادق (علیه‌السلام) اشاره می‌کنیم زیرا آن حضرت کلام کاملی درباره این آیات ارائه و فرموده‌اند: امام جعفر (علیه‌السلام) فرموده است: در شگفتم برای کسی که از چهار چیز بیم دارد: چگونه به چهار کلمه پناه نمی‌برد! کسی که ترس بر او غلبه کرده، چگونه به ذکر «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران / ۱۷۳) پناه نمی‌برد، و کسی که اندوهگین است چگونه به ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیاء / ۸۷) پناه نمی‌برد زیرا خداوند به دنبال این ذکر فرموده است: «پس ما یونس را در اثر تمسک به ذکر یاد شده، از اندوه نجات دادیم و همین‌گونه مؤمنین را نجات می‌بخشیم.» (انبیاء / ۸۸)، و کسی که مورد مکر و حيله واقع شده، چگونه به ذکر «وَأَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»

(غافر/ ۴۴) پناه نمی‌برد زیرا خداوند به دنبال ذکر فوق فرموده است: «پس خداوند (موسی را در اثر ذکر یاد شده) از شر و مکر فرعونیان مصون داشت.» (غافر/ ۴۵) و کسی که طالب دنیا و زیبایی‌های دنیاست، چگونه به ذکر «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (کهف/ ۳۹) پناه نمی‌برد زیرا خداوند بعد از ذکر یادشده فرموده است: «مردی که فاقد نعمت‌های دنیوی بود، خطاب به مردی که از نعمت‌ها برخوردار بود) فرمود: اگر تو مرا به مال و فرزند، کمتر از خود می‌دانی، امید است خداوند مرا بهتر از باغ تو بدهد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰: ۱۸۵). اینک پس از بیان این سخن، برای خواننده مشخص می‌گردد که امام رضا (علیه‌السلام) در چینش‌های کلامی و اقتباس‌های قرآنی که می‌آورده‌اند چقدر دقت داشته و از آیات تأثیرگذارتر استفاده می‌کرده‌اند.

در مجالس دیگر، امام رضا (علیه‌السلام) ضمن تأکید بر آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۹۶) این‌گونه بیان می‌دارند که این سخن از سیاهی چشم به سپیدی آن نزدیک‌تر به اسم اعظم الهی است. در این مجال نیز امام رضا (علیه‌السلام) ضمن بیان کلام خویش، از آیه ۳۹ سوره کهف استفاده کرده و با این کاریست سعی در قوی‌تر نمودن سخن خویش دارند. همین‌نو بیان خبر از اهتمام آن حضرت (علیه‌السلام) در به‌کارگیری اقتباس‌های قرآنی دارد.

در ادامه، در فرازی دیگر از دعا‌های خویش، امام رضا (علیه‌السلام) برای کسی که دچار مشکل شده توصیه می‌کنند این‌گونه دعا کند:

أَيُّ رِبَّاهُ، بِحَبْلِكَ أَعْتَصَمْتُ وَبِكَ اسْتَعْتَمْتُ، وَبِكَ أَعُوذُ، وَبِكَ أَلُوذُ، وَإِلَيْكَ أَتَوَكَّلُ وَ
إِلَيْكَ أَلْجَأُ، وَبِكَ اسْتَجِيرُ فِي جَمِيعِ أُمُورِي وَانْتَ غِيَاثِي، وَانْتَ اللَّهُ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،
سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ» (همان: ۱۱۸).

در این مجال امام رضا (علیه‌السلام) از آیه ۸۷ سوره انبیاء اقتباس کرده است و همان‌گونه که در متن سوره نیز موجود است و در کتاب‌های تفسیری بارها از آن با عنوان ذکر یونسیه یاد شده، در جهت رفع مصایب و گرفتاری کاربرد دارد. در کلام

فوق، آرایه بلاغی ائتلاف کامل لفظ و معنا را مشاهده می‌کنیم که موجب زیباتر شدن سخن، و تأثیرگذاری آن بر مخاطب شده است. از دیگر مواردی که در اینجا مطرح است، مقوله بلاغت بالای کلام آن حضرت است که تأییدی است بر اینکه بلیغ‌ترین سخن آن است که میزان اثرگذاری آن بر مخاطب به حدی باشد که احساساتش را برانگیزد، همان‌گونه که خواندن شعر احساس برانگیز است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۰). حضرت با به‌کارگیری آیات قرآنی و با توجه به دریای ژرف علمی و ادبی که از رهگذر تربیت یافتن در مکتب نبوی از آن بهره‌مند گشته است، باعث تهییج بیشتر ذات خواننده و تأثیرگذاری بر احساسات وی شده است.

۳-۴-۱ تجلی قرآن در کلام امام رضا (علیه السلام) در رفع خطر و دفع شیطان

در این مجال نیز امام رضا (علیه السلام) دعاهای فراوانی دارد که در آنها از آیات قرآن اقتباس کرده‌اند. البته، نکته حایز اهمیت در تمام شاهدهایی که به‌عنوان نمونه آورده می‌شود، به‌کارگیری عفوی آیات توسط حضرت است، به‌طوری‌که خواننده غرابتی بین آیات اقتباس شده و سخنان امام (علیه السلام) احساس نمی‌کند و طوری این آیات کاربست یافته‌اند که گویا منقول از یک منبع می‌باشند، حال آنکه گاهی اوقات مشاهده می‌شود امام رضا (علیه السلام) از سوره‌های مختلفی در قالب یک حدیث استفاده می‌کنند. از جمله می‌توان به دعای روایت شده از ایشان که در جهت رفع شر بیان داشته‌اند، اشاره کرد که فرموده‌اند:

«فَوَضُّتُ امْرِي إِلَى اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ نِعْمَ الْوَكِيلُ، تَحَصَّنْتُ مِنْهُمْ بِأَلْحَصَنِ الْمَحْفُوظِ، وَ تَمَسَّكْتُ بِالْحَبْلِ الْمَتِينِ، فَهَمَّ لِي خَاضِعُونَ وَ عَنِّي نَافِرُونَ، كَأَنَّهُمْ حَمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ، فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةِ قَصْرَتِ أَيْدِيهِمْ عَنِ بُلُوغِي وَ عَمِيَّتْ أَبْصَارُهُمْ عَنِ رُؤْيِي» (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۴۲).

امام رضا (علیه السلام) در این فراز از دعا در موارد متعددی از قرآن کریم اقتباس کرده‌اند که سبب زیباتر و کامل‌تر شدن کلام ایشان شده است. از جمله، اقتباس از

آیه ۴۴ سوره غافر (وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ) و آیه ۱۷۳ سوره آل عمران (الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ) و آیه ۵۰ سوره مدثر (كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ، فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ) است که در تمامی موارد ائتلاف کاملی بین لفظ و معنا وجود دارد در این مجال، مقتضای حال مخاطب نیز از طرف امام رعایت شده است و امام (علیه السلام) از آیات متعددی بهره می برد تا تأثیر کلامشان دوچندان شود و مخاطب نیز مشتاقانه به سخن ایشان گوش دهد و توصیه هایشان را به کار بیند.

۴-۴-۱ تجلی قرآن در کلام امام رضا (علیه السلام) در زمینه درمان بیماری ها

هنگام مطالعه زندگی امام رضا (علیه السلام) یکی از مهم ترین بخش هایی که نظر پژوهنده را به خود جلب می کند، مباحث مربوط به علم پزشکی و توان بالای ایشان در زمینه علم طب اسلامی است و این تبحر در حدی است که امام رضا (علیه السلام) به درخواست مأمون کتابی با نام الرسالة الذهبیة را برایش به رشته تحریر درآوردند (الغازی، ۱۴۱۸ق: ۲۳۳). از جمله اموری که آن حضرت در درمان مریضی ها بارها به آن تکیه می کردند، استفاده از دعاهای قرآنی در جهت استشفاس است. این عرصه از جمله مواردی است که آیات قرآن به صورت اقتباسی در کلام امام رضا (علیه السلام) متجلی گشته است. حضرت برای رفع درد این گونه می فرماید:

- لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظيم، و لا ملجأ من الله إلا إليه، حسبنا الله و نعم الوکیل، دل سام فی رأس السهباطا لسلسبیلانها (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۷۰).

این تعویذ را که امام رضا (علیه السلام) به حسین بن علی یقظین به جهت دفع درد و بلا داده بودند، همان گونه که مشاهده می گردد، اقتباس هایی از آیات ۳۹ سوره کهف و آیه ۱۷۳ سوره آل عمران و آیه ۱۱۸ سوره توبه صورت پذیرفته است. در سخن حضرت همگونی کاملی وجود دارد. همین امر یکی از مصداق های توان ادبی بالای

حضرت به‌شمار می‌آید. در ادامه حضرت در باب دفع تب چنین می‌فرماید:

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفُ أَنْتَ الْاَعْلَى، لَا تَخَفُ نَجْوَتِ مَنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ،
أَلَا لَهُ الْأَمْرُ وَالْخَلْقُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (همان: ۱۷۴).

امام رضا (علیه‌السلام) از آیات ۶۸ سوره طه و ۲۵ سوره قصص و ۵۴ سوره اعراف اقتباس کرده‌اند. یا در جایی دیگر امام (علیه‌السلام) برای درمان درد شقیقه این نسخه قرآنی را تجویز کرده‌اند:

- «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۹) لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، عَافِ فُلَانَ بْنِ فُلَانَةَ (همان: ۱۸۰).

آن حضرت در این مجال نیز با تکیه بر آیات قرآنی سخن می‌گویند و چنان‌که مشاهده می‌شود، ایشان آیه ۸ سوره آل عمران را به‌عنوان استشفای از مریضی برای پیروان خویش تجویز می‌کنند.

۵-۴-۱ تجلی قرآن در ادعیه روایت‌شده از امام رضا (علیه‌السلام) در اعیاد و سفرها

آنچه از زمان‌های قدیم در ادبیات عربی مرسوم بوده خواندن برخی قطعات کلامی در موسم‌های مختلف بوده است. این رسم در موسم‌هایی چون آغاز فصل حج جریان داشته است. اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز در این زمینه سخنان فراوانی دارند، امام رضا (علیه‌السلام) نیز همانند اجداد بزرگوار خویش سخنان گهرباری دارند. نکته قابل تأمل در این حیطة، بهره‌گیری ایشان از آیات قرآنی متناسب با زمینه گفتاری خویش است. از جمله سخنان آن حضرت، دعاهای وارد شده از ایشان در پیشواز رفتن برای ماه‌های مختلف است. ایشان در هنگام طلوع ماه رمضان می‌فرموده‌اند، هنگام طلوع هلال ماه رمضان با انگشتان بدان اشاره نکنید بلکه رو به قبله ایستاده و دست‌ها را به‌سوی آسمان بلند کنید و هلال را مخاطب قرار دهید و بگویید:

- رَبَّنَا وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلَيْنَا هَلَالاً مُبَارَكاً، وَوَقَّفْنَا لَصِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَسَلِّمْنَا فِيهِ، وَاسْتَعْمَلْنَا فِيهِ بِطَاعَتِكَ، أَنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (همان: ۱۹۴).

حضرت از آیه ۲۶ سوره آل عمران استفاده کرده و توانسته با توان بالای ادبی که داشته‌اند، کلام خویش را به بهترین نحو برای مخاطب بیان کنند و با استفاده از آیه مذکور، تأثیر کلام خویش بر مخاطب را افزایش دهند. از اینجاست که جمال و تأثیر بالای اقتباس از آیات قرآنی در قالب کلام خودنمایی می‌کند. از دیگر دعاهایی که از امام رضا (علیه‌السلام) روایت شده، دعای آداب سفر است. آن حضرت از پیروان خویش خواسته‌اند هنگام خروج از منزل بگویند:

- «بِسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَظِيمِ.» (همان: ۲۰۴).

در این مجال امام (علیه‌السلام) از آیه ۵۶ سوره هود اقتباس نموده و بین آیه و سخنان قلبی خویش ارتباط کاملی ایجاد کرده‌اند. در ادامه، حضرت دعایی را برای هنگام سوارشدن توصیه می‌کنند و می‌فرمایند:

- «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ، وَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» (همان: ۲۰۴).

امام (علیه‌السلام) با تکیه بر آیه قرآنی ۱۳ سوره زخرف، کلام خویش را آراسته‌اند. فضای آیه مذکور نیز درباره استفاده انسان از مرکب بوده و دعای شکر است به خاطر رام کردن چهارپایان در جهت انتفاع بشر از آنها. حضرت بین سخن خویش و آیات قرآنی مربوط تناسب ایجاد کرده و خواننده هنگام خواندن کلام ایشان، دریایی از آیات قرآنی را در برابر خویش می‌بیند که این نوع کاربرد نشان‌دهنده اهتمام و علم بالای آن حضرت بر آیات قرآنی است.

۶-۴-۱ تجلی قرآن در کلام امام رضا (علیه‌السلام) در امور متفرقه و زیارات

در این زمینه امام رضا (علیه‌السلام) سخنان فراوانی دارند و در تمام آنها با تکیه بر آیات قرآن سخن گفته‌اند. البته، از این رهگذر توانسته‌اند کلام خویش را به بهترین شکل بیان کنند. امام (علیه‌السلام) سعی دارد مخاطب را متوجه ذات خدا کند و اینکه باید از خداوند استمداد بطلبد. از جمله، آنجا که مأمون ایشان را برای پذیرش خلافت تهدید می‌کند، ایشان در قالب دعا این‌گونه می‌فرمایند:

«اللهم لا عهد إلا عهدک، ولا ولایة إلا من قبلک، فوقنی لاقامة دینک و إحياء سنة نبیّک، فانک أنت المولی و النصیر، و نعم المولی أنت و نعم النصیر» (همان: ۲۲۴).

حضرت ضمن بیان اینکه ولایت مختص خداست، از خداوند برای اجرای روش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) طلب توفیق می‌کنند و کلام خویش را با آیه ۷۸ سوره حج می‌آریند. کاربست آیه مذکور مهر تأییدی است بر مکتب ایشان و آنچه بدان عقیده دارند.

۷-۴-۱ تجلی قرآن در مناظرات امام رضا (علیه‌السلام)

در این مجال امام رضا (علیه‌السلام) سخنان پربرار زیادی برای پیروان خویش بیان کرده‌اند، بیشتر سخنان امام (علیه‌السلام) حالت استدلالی و احتجاجی‌اند زیرا حال و هوای مناظره جز الفاظ مبتنی بر استدلال‌های منطقی را بر نمی‌تابد. از موارد قابل توجه در این میان، تکیه امام رضا (علیه‌السلام) بر آیات قرآن است که به‌عنوان بدیهیات عقلی مورد پذیرش مردم بوده است. آن حضرت از این آیات در جهت تبیین کلام خویش بهره می‌برده‌اند، از جمله مواردی که آن حضرت بر قرآن تکیه داشته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد^۱:

۱. آنجا که عبدالعزیز بن مسلم قضیه وارد شدن خویش بر امام و طرح سوال درباره امامت از ایشان را بیان می‌دارند، و امام (ع) نیز این‌گونه برایشان احتجاج نمودند.

- یا عبدالعزیز! جهل القوم و خدعوا عن آرائهم، إن الله عزَّ و جل انزل القرآن، و فيه تبيان كلِّ شيءٍ، بین فيه الحلال و الحرام و الحدود و الاحکام، فقال عزَّ و جل «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»، و انزل فی حجة الوداع، و هی اواخر عمره (ص): «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» و أقام لهم علیاً (علیه السلام) علماً و اماماً، و ما ترک لهم شیئاً یحتاج الیه الامة إلا بیئنه، فمن زعم ان الله لم یكمل دینه فقد ردَّ کتاب الله، و من ردَّ کتاب الله فهو کافر به (همان: ۲۴۸).

امام (علیه السلام) ضمن تبیین اصل امامت، به بیان دیدگاه خاندان نبوت می پردازد و برای اینکه کلامشان از سندیت بیشتری برخوردار گردد، به برخی آیات قرآنی تکیه می کنند؛ از جمله، به آیه ۳۸ سوره انعام که در آن خداوند به صراحت بیان می دارد همه چیز در قرآن بیان شده است. این سخن امام (علیه السلام) مؤید آن است که امر امامت نیز در قرآن تبیین شده است. در ادامه به آیه ۳ سوره مائده که در آن خداوند به کامل و مورد رضایت بودن دین اسلام اشاره می نماید، تکیه می کند تا کلام خویش را مستندتر نماید. این آیه پس از غدیر خم نازل گردیده است. همین شأن نزول خود مهر تأییدی است بر جریان داشتن اصل امامت در بین خاندان امام علی (علیه السلام). در تفسیر کوثر آمده است: منظور از آن روز که دین اسلام کامل گردید، با شواهدی خود آیه و روایاتی که از شیعه و سنی نقل شده، روز غدیر خم است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به امر خدا علی (علیه السلام) را به وصایت نصب کرد و این آیه نازل گردید و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) با امامت علی (علیه السلام) کامل شد، و خداوند نعمت خود را بر مسلمانان به پایان رسانید (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۳: ۶۸).

در مجالسی دیگر، امام رضا (علیه السلام) در مقام احتجاج درباره کسانی که اصل امامت را قبول نداشته و عقیده دارند این امر موروثی نیست، به احتجاج می پردازد و براساس نص قرآن این گونه سخن می گوید:

- إن الامامة خصَّ الله بها ابراهيم الخليل بعد النبوة، و فضيلة شرفه بها و اشاد بها ذكره، فقال: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره/۱۲۴). فقال الخليل (ع) سروراً بها: «ومن

ذریتی»، قال الله «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۲۴) (همان: ۲۱۵).

که آیه فوق رسیدن خلافت پیامبر (صلی الله علیه وآله) به انسان های ظالم را منتفی می سازد. در ادامه، خداوند حضرت ابراهیم (علیه السلام) را با قرار دادن نسل امامت در ذریه ایشان مورد تکریم قرار می دهند و این گونه می فرمایند:

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿۷۲﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (انبیاء/۷۲ و ۷۳) (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۲۵۰).

در ادامه آن حضرت مباحث گوناگون طولانی را بیان می دارد که تماماً مربوط به مقوله انتخاب امام و اصل امامت است که به بیان یک احتجاج در مقوله امامت خواهیم پرداخت که به بیان امر امامت پرداخته و می فرمایند:

- ولقد راموا صعباً و و قالوا افكاً، و ضلّوا ضلالاً بعيداً، و وقعوا فى الحيرة إذ تركوا الامام عن بصيرة: «وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ» (عنكبوت/۳۸). در ادامه امام (علیه السلام) می فرماید: رغبوا عن اختيار الله و اختيار رسول الله (ص) و اهل بيته إلى اختيارهم و القرآن يناديهم: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (قصص/۶۸) و قال عز و جل: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» (احزاب/۳۶). و قال: «مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۶) أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷) إِنْ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تَخَيَّرُونَ (۳۸) أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْغَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنْ لَكُمْ لَمَّا تَحْكُمُونَ (۳۹) سَلُّهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ (۴۰) أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فُلْيَاتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (قلم/۳۶ تا ۴۱) و قال عز و جل: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد/۲۴)، أم: «طُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» (توبه/۸۷)، أم: «قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۲۱) إِنْ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۲۲) وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ» (انفال/۲۱ تا ۲۳)، أم: «قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا» (بقره/۹۳)، بل هو «فَضَّلَ اللَّهُ يَوْمَئِذٍ مَنِ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (حديد/۲۱)، فكيف لهم باختيار

الامام؟ و الامام (ع) عالم لا یراه، و راع لا ینکل، معدن القدس و الطهارة و التمسک و الزهادة و العلم و العبادة، مخصوص بدعوة الرسول (ص) و نسل المطهرة البتول. (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۲۶۲).

در مجالی دیگر، آن گاه که امام رضا (علیه السلام) در مجلس مأمون که گروهی از دانشمندان عراق و خراسان در آن گرد هم آمده بودند حضور یافتند، مأمون خطاب به علی بن موسی الرضا (علیه السلام) این گونه سخن را آغاز کرد: مرا از معنی این آیه آگاه کنید: «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا». در این حین علما گفتند: مراد ذات باری تعالی تمامی امت است. مأمون گفت: ای ابوالحسن، نظر شما چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: عقیده دارم مراد خداوند خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. مأمون گفت: چرا مراد تمامی امت نباشد و تنها خاندان پیامبر باشد؟ از اینجا امام رضا (علیه السلام) با تکیه بر استدلال‌های زیبای عقلانی و آیات قرآنی، اقدام به شرح و توضیح سخن خویش کردند و فرمودند: لو أراد الامة لكانت باجمعتها فی الجنة، لقول الله: «فَمَنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» (فاطر/۳۲)، ثُمَّ جَعَلَهُمْ كُلَّهُمْ فِي الْجَنَّةِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا» (فاطر/۳۳). بر این اساس، میراث خلافت پیامبر (صلی الله علیه و آله) مخصوص عترت ایشان است. و در ادامه فرمودند: عترت همان کسانی اند که خداوند در کتاب خویش درباره ایشان فرموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳) و ایشان همان افرادی هستند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره ایشان فرمودند:

- «إِنِّي مَخْلَفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي - اهل بیتی - لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يردَا عَلَيَّ الْحَوْضِ، انظروا كيف تخلفوني فيهما، يا ايها الناس لا تعلموهم فانهم أعلم منكم (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۲۷۰-۲۷۲) .

در تمام مناظرات و سخنان احتجاج گونه‌ای که امام (علیه السلام) در مجالس مختلف بیان می‌دارند، ردّ پایی از قرآن وجود دارد و اهل ادب می‌گویند: اقتباس اگر در زمینه

مناظرات و موعظه به کار گرفته شود، سبب تأثیرگذاری بیشتر کلام می‌گردد به خصوص اینکه اگر از قرآن برای تقویت دیدگاه یا زیباسازی کلام کمک گرفته شود، بسیار تأثیرگذار و ارزشمند است. (میدانی، ۱۴۳۱ق: ۵۳۶).

۸-۴-۱ تجلی قرآن در کلام توحیدی امام رضا (علیه السلام)

در این مجال، امام رضا (علیه السلام) در حیطة توحید و خداشناسی سخنان زیادی بیان داشته‌اند که از اولین اصول تا اساسی‌ترین مباحث توحیدی را شامل می‌شود. از جمله، در کلیات توحید و حدوث عالم و توصیف ذات باری تعالی و جبر و اختیار و... در این مجال به چند مورد از زیباترین سخنان آن حضرت درباره توحید اشاره خواهیم کرد و در لابه‌لای آن به تجلی آیات قرآنی در آنها اشاره می‌کنیم. از جمله روایات زیبایی که از حضرت نقل می‌کنند، داستان ذوالریاستین^۱ است که به امام رضا (علیه السلام) عرضه داشت: فدایت شوم! درباره دیدن خداوند بین مردم اختلاف پیش آمده است. مرا خبر ده. گروهی می‌گویند خداوند دیده نمی‌شود. پس امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

- یا ابا العباس، من وصف الله بخلاف ما وصف به نفسه، فقد أعظم الفریة علی الله، قال الله: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (انعام/۱۰۳)، هذه الابصار لیست هی الاعین، إنما هی الابصار التی فی القلوب، لا تقع علیه الاوهام و لا یدرک کیف هو (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۳۵۲).

امام رضا (علیه السلام) ضمن بیان دیدگاه خویش درباره خداوند و تبیین چگونگی وصف ذات خدا، با بیان یکسری اصول منطقی، سعی در بیان نبود امکان رؤیت خداوند با حواس ظاهری می‌کنند. در این میان، ایشان به آیه قرآنی نیز تکیه کرده و با کاربست آیه تلاش کرده‌اند تا سخن خویش را ملموس‌تر کنند. البته، در این میان چنان‌که می‌بینیم، امام رضا (علیه السلام) چنان میان سخن خویش و آیه

۱. ذوالریاستین «فضل بن سهل» مری مأمون است که بعدها وزیر او شد.

قرآنی ائتلاف ایجاد کرده‌اند که گویا کلّ متن از یک نفر است. و این خود از صفات بارز خاندان عصمت و طهارت (علیه‌السلام) است که متأثر از تربیتی که در مکتب نبوی دریافت نموده‌اند، قرآن با گوشت و خون ایشان چنان درهم آمیخته که کلام وحی در اقوال و حرکات ایشان متجلی است. در مجالی دیگر، امام رضا (علیه‌السلام) در تبیین خداشناسی و کمترین مرتبه آن، چنین می‌فرماید:

«المعرفة بالله هو الاقرار بأنه لا إله غيره، ولا شبيه له، ولا نظير له، وإنه مثبت قديم موجود غير فقيد، وإنه ليس كمثل شئ» (قیومی اصفهانی، ۱۳۶۷: ۳۶۲).

در این مجال امام رضا (علیه‌السلام) ضمن استدلال منطقی برای مخاطب بیان می‌دارند که ذات باری تعالی باید از طرف مخاطب تمام و کمال شناخته شود و این شناخت باید اعتراف گونه باشد، به اینکه خدایی جز خدای یگانه از همه لحاظ، چه شباهت و چه همسانی، وجود ندارد و ذات الهی ازلی است و نابودی در آن راهی ندارد. در پایان، امام رضا (علیه‌السلام) با تکیه بر آیه ۱۱ سوره شوری، سخن خویش را تکمیل می‌کند که در آن خداوند این گونه ذات خویش را معرفی می‌کند: «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ». چنان که مشاهده می‌شود، خداوند ذاتش را برای مخاطب توصیف و به یکسری صفات خاص خویش اشاره می‌کند. امام (علیه‌السلام) نیز با بینش کاملی که نسبت به قرآن داشته‌اند، توانسته‌اند با هنرمندی، بین معانی ذهنی خویش و آیات قرآن تناسب ایجاد و کلامی جامع را برای مخاطب ارائه کنند. این اهتمام امام (علیه‌السلام) به آیات قرآنی، از اساسی‌ترین موارد تأثیرگذاری و زیبایی کلام ایشان است و به کلام حضرت جمال خاصی می‌دهد که منجر به تأثیرگذاری و اقناع کامل مخاطب کلام می‌گردد.

۹-۴-۱ تجلی قرآن در گزیده‌ای از سخنان قصار ایشان

سخنان کوتاه و در عین حال پرمغز، از جمله موارد ادبی بوده که در دوره‌های

مختلف مدّ نظر ادیبان و خطیبان بوده است. طبیعتاً ادبیات عرب نیز به‌عنوان یکی از بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین زبان‌ها از این مهم بی‌نصیب نبوده است و در دوره‌های مختلف ادبی، از این اصل ادبی بهره‌ها برده است، هرچند در دوره‌های مختلف با اسم‌های گوناگونی معروف بوده است؛ مثلاً در عصر جاهلی با عنوان «سجع الکهان» و در دوره اموی و عباسی با عنوان توقیعات، جریان داشته است (ابن عبد ربّه، ۱۹۵۶م، ج ۴: ۲۰۹) و موقّع به کسی گفته می‌شده است که در کلام یا سخنی که می‌نگارد، حس یا معنایی تأثیرگذار را بیان کند. (الیوسی، ۱۹۸۱م، ج ۲: ۲۲۰). این حرکت ادبی جریان داشت و در عصر معاصر از آن با عنوان کلمات قصار یاد می‌شود که در آن گوینده تمام هنر و ذوق ادبی خویش را به‌کار می‌بندد تا زیباترین کلمات و بیشترین معانی را در قالب کوتاه‌ترین جملات بیان کند که البته این اصل ادبی در جای جای قرآن نیز به چشم می‌خورد. ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز که تربیت‌شدگان مکتب قرآن و وحی الهی بودند نیز از این امر مستثنا نبوده و در جایگاه‌های مختلف از کلام ایشان نمونه‌های فراوانی از این مهم یافت می‌شود. امام رضا (علیه‌السلام) به‌عنوان عالم آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز در این حیطة ادبی سخنان پرمغز و فراوانی دارند که هریک از آنها به‌تنهایی دریایی از مفاهیم دینی و اجتماعی است. حضرت در اغلب سخنان از قرآن اقتباس نموده و با ذوق ادبی خود به زیباترین شکل آیات قرآن را در قالب سخنان کوتاه به‌کار برده و از این رهگذر سخنانی تأثیرگذار برجای نهاده‌اند. به عقیده ادبا، به‌کارگیری آیات قرآنی در سخنان جدی نیکوست، ولی در مطایبه و شوخی جایی ندارد (الثعالبی، ۱۹۷۷م: ۱۴۸). از مواردی که آن حضرت در قالب سخنان قصار از قرآن کریم اقتباس نموده‌اند، آنجاست که می‌فرمایند:

الذین إذا احسنوا استبشروا، و إذا اسأؤوا استغفروا، و إذا أعطوا شكروا، و إذا ابتلوا صبروا، و إذا غضبوا عفا (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۳۸۲).

چنان‌که مشاهده می‌شود، این جمله‌های کوتاه دریایی از معانی را در خویش جای داده‌اند. در این میان، آن حضرت از آیات متعدد قرآن نیز اقتباس کرده‌اند. از جمله، از آیه ۱۱۱ سوره توبه: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمِ اللَّهِ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. « آیه ۱۹۹
 سوره بقره: «وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. « آیه ۹ سوره هود: «وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ
 تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ. « آیه ۷ سوره زمر: «إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا
 يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ
 مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. « آیه ۱۲۸ سوره أعراف:
 «اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. « آیه ۳۷
 سوره شوری: «وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ. « نکته
 قابل تأمل اینکه، هر یک از این آیات به تنهایی دربرگیرنده دریایی از مفاهیم و معانی
 می باشند و امام رضا (علیه السلام) توانسته اند با توان ادبی بالایی که داشته اند،
 بیشترین تجانس را بین الفاظ قرآنی و معانی ذهنی خویش ایجاد کنند. در مجالی
 دیگر، امام رضا (علیه السلام) در ترغیب به حسن ظن داشتن نسبت به سایر برادران
 دینی، بیان می دارند:

- «احسنوا الظنَّ بالله، فإنَّ الله عزَّ و جل يقول : انا عند ظبِّ عبدی المؤمن بی، إن
 خیراً فخیراً، و إن شراً فشرّاً» (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۳۸۶).

حضرت ضمن بیان یکی از اصول اساسی علم اخلاق سخن خویش را بر پایه آیه
 ۱۲ سوره حجرات بیان می دارند که ذات اقدس الهی می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ
 أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا». حضرت توانسته با اشرافی که بر قرآن داشته، آیاتی
 همسو با آنچه در پی بیان آن بوده را هنرمندانه انتخاب کند.

امام (علیه السلام) در یکی دیگر از سخنان قصار خویش، درباره اهمیت صلح
 می فرماید:

- «صل رحمک ولو بشریة من ماء، و افضل ما توصل به الرحم کف الأذى عنها»
 (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۳۸۸).

در این مجال، امام رضا (علیه‌السلام) ضمن تأیید و تأکید بر اهمیت رحم، کلام خویش را بر پایهٔ آیهٔ ۱ سوره نساء بیان می‌کند: «وَأَتَقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا». از اینجاست که به عمق این مطلب پی می‌بریم که می‌گوید: قرآن ویژه‌نامه‌ای است جاودانه که با سبکی خاص و اسالیبی عالی پرده از رازهای ازلی برداشته و هدایتش حکمت‌های الهی را آشکار می‌سازد. بدین جهت، بر پویندگان زلال معرفتش واجب است تا با شناخت هرچه بیشتر این کتاب، به هدایتش بیشتر کامیاب گردند (اسلامی، ۱۳۸۸: ۲۸). می‌توان ادعا نمود حضرت در هر حیطه‌ای از مسائل اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی که سخن گفته، قرآن اغلب تکیه‌گاه کلامی ایشان در جهت بیان و تبیین کلام و تأثیرگذاری بیشتر آن بوده است.

نتیجه‌گیری

چنان‌که مشاهده گردید، سیره و کلام امام رضا (علیه‌السلام) تجلیگاه قرآن است. نیایش‌های ایشان خطابی به ذات خداوند است که در آنها حقیقت وجودی حضرت منعکس شده است. امام رضا (علیه‌السلام) در قالب دعا سخنانی را بیان داشته‌اند که همپایهٔ آیات قرآن است، با این تفاوت که قرآن وحی الهی است و این سخنان کلام بندهٔ مقرب اوست. امام در قالب کلام نه‌تنها شیوهٔ دعاکردن را به پیروان خویش آموزش داده‌اند، بلکه سبک زندگی اسلامی را نیز برایشان به تصویر می‌کشیده‌اند.

دو نوع اقتباس و تأثیرپذیری از آیات قرآن در کلام امام رضا (علیه‌السلام) وجود داشته‌است: اقتباس و تأثیرپذیری غیرمستقیم که در آن با توجه به ارتباط تنگاتنگی که بین امام رضا (علیه‌السلام) و قرآن وجود داشته، حضرت افکار و مضامین خود را از قرآن گرفته، و در سایهٔ معارف قرآنی سخن گفته‌اند که معمولاً سخن امام از این مجموعه و قرآن خاستگاه اصلی اندیشه‌های حضرت است. هرچند به‌صراحت در این سخنان به قرآن تکیه نشده است و تأثیرپذیری مستقیم که در آن امام رضا (علیه‌السلام) آیه‌هایی از قرآن را در ضمن گفتار خویش به‌کار می‌برند که در بلاغت

عربی با عنوان تلمیح و اقتباس از آن یاد می‌شود. از مهم‌ترین مواردی که باعث شد اقتباس‌های قرآنی در کلام امام رضا (علیه‌السلام) تأثیرگذار باشد، توجه ایشان به آرایه‌های بدیعی لفظی و معنوی است که خبر از نبوغ حضرت در این فن ادبی می‌دهد و حضرت در کنار توجه به رسابودن مضمون، به آراستگی واژگان و جمله‌ها نیز توجه داشته‌اند.

از نظر محتوایی، کلام امام رضا (علیه‌السلام) میراث معنوی و فرهنگی گرانبهایی است که می‌تواند به‌عنوان مدرسه‌ای انسان‌ساز در زمینه‌های فکری و اعتقادی باشد، زیرا امام رضا (علیه‌السلام) همچون پدران بزرگوارشان با به‌کارگیری آیات قرآن، سیاستی تربیتی در پیش گرفته‌اند که در آن بنده باید در زندگی متکی به خداوند باشد. در سخنان حضرت، تقویت روحیه توحید از محورهای اساسی است. هیچ دعایی از امام رضا (علیه‌السلام) صادر نمی‌گردد مگر آنکه در آن مستقیم یا غیرمستقیم به وجود خدا در تمام ابعاد هستی اشاره می‌شود و اینکه اراده الهی در عرصه هستی و نوع بشر جریان دارد و بنده باید همانند دیگر مخلوقات زیر سیطره تدبیر خداوند باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۴). فرهنگ علوم انسانی. چاپ اول. ویراست دوم. تهران: نشر مرکز.
- احمدی، فاطمه. (۱۳۹۱). تجلی قرآن کریم در صحیفه سجادیه. تهران: انتشارات حنیفا.
- اکبری زبیدی، غلامرضا. (۱۳۸۲). امام رضا (ع) و قرآن. مشهد: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی الشمس.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۵). دانشنامه ادب فارسی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد. (۱۳۹۶). شرح نهج البلاغه. ط ۱. بیروت: دار الإحياء الكتب العربيّة.
- ابن عبد ربّه، احمد بن محمد. (۱۹۶۵م). العقد الفريد. تحقیق: احمد امین و اخرون. ط ۲. قاهره: لجنة التالیف و الترجمة و النشر.
- ابن الندیم، محمد بن اسحاق. (۱۹۷۸م). الفهرست. ط ۲. بیروت: دارالمعرفه.
- اسلامی، محمدرضا. (۱۳۸۸). تجلی قرآن در نهج البلاغه. چاپ اول. تبریز: انتشارات یاس نبی.
- الیوسی، ابوعلی. (۱۹۸۱م). زهر الاکم فی الامثال و الحكم. حقه محمد الاخضر. ط ۱. بیروت: الدار البيضاء.
- تفتازانی، سعدالدین. (۱۴۱۱ق). مختصر المعانی. قم: دارالفکر، ط ۱.
- تونانی، زکریاء. (بی تا). التسهیل لعلوم البلاغه. ط ۱. بیروت: کتاب الناشرین.
- الثعالبی، ابو منصور. (۱۹۷۷). یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر. تحقیق: محیی الدین عبدالحمید. ط ۲. بیروت: دارالفکر.
- جرجانی، علی بن محمد. (۱۴۱۸ق). التعریفات. بیروت: دارالفکر.
- جعفری، یعقوب. (۱۳۷۷). تفسیر کوثر. ج ۳. چاپ اول. قم: نشر هجرت.
- داد، سیما. (۱۳۸۴). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ دوم. تهران: انتشارات مروارید.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. چاپ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راستگو، سیدمحمد. (۱۳۸۷). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. ط ۶. تهران: سمت.
- زبیدی، ماجد ناصر. (۱۴۲۸ق). التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة اهل البيت (ع). بیروت: دارالمحجة البيضاء.
- سیوطی، عبدالرحمن. (۱۹۹۶م). الاتقان فی علوم القرآن. ط ۱. تحقیق: سعید المندوب. بیروت: دارالفکر.
- شاکر، احمد محمد. (۱۳۷۹). دایرة المعارف الاسلامیه. ج ۲. ط ۳. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- طباطبایی، سیدمحمدعلی. (۱۳۹۰). تجلی قرآن در کلام حضرت زینب. قم: نشر ادیان.
- العانی، محمد شهاب الدین. (۲۰۰۲م). اثر القرآن الکریم فی الشعر الاندلسی. ط ۱. بغداد: دار الشؤون الثقافیّة.
- عسکر، عبدالمحسن عبدالعزیز. (۱۲۴۵ق). اقتباس انواعه و احکامه. ط ۱. ریاض: مکتبه دار المنهاج، ط ۱.
- عمید، حسن. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی عمید. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- الغازی، محمد بن سلیمان. (۱۴۱۸ق). مسند الرضا (ع). ط ۱. قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم. (۱۳۸۰). ینابیع المودة. نجف: المنشورات الحیدریه. ط ۲.
- قیومی اصفهانی، جواد. (۱۳۷۸). صحیفه الرضا (ع). قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسین قم المقدسه.

- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۶). اصول کافی. تهران: نشر جهان آرای.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. ط ۱. بیروت: دارالاحیاء التراث العربیة.
- مراد عباسی، مزدا. (۱۳۹۰). واژه در قاب (ساختار شناسی جریان اقتباس در سینمای ایران). تهران: انتشارات سوره مهر.
- معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. به اهتمام عزیزالله علیزاده. چاپ اول. تهران: چاپخانه رامین.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). تفسیر نمونه. ج ۷. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میدانی، عبدالرحمن حسن حبنکه. (۱۴۳۱ق). البلاغة العربیة. ج ۲. ط ۲. دمشق: دارالقلم، ط ۲.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۱). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی